

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۷۳
پنجشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۰ ریال

دانشجویان مسلمان پیر و خط امام اسناد جدیدی را درباره توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی افشا کردند

دیروز دانشجویان مسلمان پیر و خط امام اسناد جدیدی را درباره توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی، ارتباط گروه فرکان با آمریکا و فعالیت‌های جاسوسی و ضد-انقلابی هوشنگ نیاوندی، اویسی و فیروز شریفی افشا کردند. متن این اسناد در شماره آینده به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

عقل امیر یالیسم

زائیده ماهیت امیر یالیسم و در خدمت سیاست امیر یالیستی است

در ارتباط مستقیم با این امر است که گسترش نقش پانک‌ها کیفیت تازه‌ای را بوجود می‌آورد و در نتیجه می‌تواند شدن سرمایه سنتی و سرمایه مالی، پدیده نوبی پانک «لیکاردی مالی» (حاکمیت گروه کوچک میلیاردرها) بوجود می‌آید. همین تمرکز بیش از حد (حدود ملی، دولتی، کشوری) سرمایه است که شرایط ضروری برای «صدور سرمایه» را بوجود می‌آورد. و این «صدور سرمایه» (به تمایز از «صدور کالا») یکی دیگر از خصائص اساسی مرحله امیر یالیستی سرمایه‌داری است. در این مرحله است که «اتحادیه‌های جهانی» سرمایه‌داران بوجود می‌آید که «نیاز» بین خود تقسیم کرده‌اند. در این مرحله از گسترش سرمایه‌داریست که تقسیم جهان بین بزرگترین دولت‌های سرمایه‌داری (امیر یالیستی) پایان یافته و مسئله تجدید تقسیم جهان پیش آمده است. بطور خلاصه اینهاست آن خصائص اساسی و کلی امیر یالیسم که از ماهیت اقتصادی - تاریخی آن ناشی می‌شوند. همین ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی است که سیاست دولت‌های امیر یالیستی را تعیین میکند.

عقل امیر یالیسم زائیده همین ماهیت عمده امیر یالیسم و در خدمت سیاست امیر یالیستی است. است دولت‌ها (و رجال دولتی) امیر یالیستی فقط بر اساس این ماهیت عمده و در چارچوب این سیاست معین شده است که عمل میکنند. همین ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی امیر یالیسم است که مناسبات دولت آمریکا را با دولت‌های دیگر از جمله دولت ایران در خطوط اصلی و کلی خود تعیین میکند.

وقتی دولت امیر یالیستی آمریکا از شاه مخلوع ایران حمایت میکند، «اشتباه» نمیکند، بلکه سیاست امیر یالیسم آمریکا را در عمل پیاده میکند. سیاست امیر یالیستی ماهیتاً جز این نمیتواند باشد. در داخل این خطوط اساسی و کلی است که دولت‌ها (و شخصیت‌ها) امیر یالیستی میتوانند حرکت کنند و به‌مانند برآیندند. مثلاً اگر آقای کندی در جریان مبارزات انتخاباتی آمریکا کادری را برآمده از مناسبات دولت از شاه مخلوع مورد انتقاد قرار میدهد، فقط در حدود این خطوط اساسی و کلی و در واقع بخاطر اجرای (ادامه) همان سیاست، یعنی ناشی از ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی امیر یالیسم است. از اینرو نیز اگر آقای کندی به «اشتباهات» کادری در حمایت از شاه مخلوع ایران اعتراف کند، جای تعجب نیست. اما جایی تا آنجا است که برخی مقامات مسئول ایران انقلابی (و رسانه‌های ارتباط جمعی) با مصطلاح «اعتراف» به «اشتباه» از آن طرف دولت امیر یالیستی آمریکا شرط ادامه مناسبات امیر یالیسم آمریکا با ایران بدانند و «برسمیت شناختن استقلال ایران» را بوسیله آن دولت کافی بشمارند. مگر امیر یالیسم آمریکا در تمام مدت مدیریت تسلط خانمان برانداز اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی خود بر ایران هیچگاه متکر برسمیت شناختن استقلال ایران بوده است؟! و آیا این کافی است که دولت آمریکا «تقاضا» در مورد بازگرداندن شاه و ثروت او را حق مسلم ایران بدانند؟! و اساساً این حق مسلم ایران چه احتیاجی به شناسایی از طرف دولت آمریکا - این دشمن اصلی مردم ایران ندارد؟! تلاش برای «بمقتل آوردن» امیر یالیسم آمریکا، با هریتی که صورت گیرد، جز گشایش راه‌های احیای سطره امیر یالیسم آمریکا نتیجه عملی دیگری نخواهد داشت. امیر یالیسم آمریکا با گشایش خاص از «منافع حیاتی» خود در حوزه خلیج فارس (!!) محبت میکند. امیر یالیسم آمریکا آشکارا دامنه «منافع حیاتی» و «حریم امنیت» منافع آمریکا را به اقیانوس هند و خلیج فارس کشانده است. امیر یالیسم آمریکا هر روز به تقویت بیش از پیش نیروهای نظامی

امیر یالیسم یک پدیده مهم اجتماعی است، که با خصائص اساسی و کلی خود مشخص میگردد. این خصائص اساسی و کلی که ناشی از ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی امیر یالیسم است، واقعیت عینی دارد و تابع امیال و اراده این و آن نیست. اگر بخواهیم کوتاه‌ترین تعریف امیر یالیسم را داده باشیم، باید بگوئیم که امیر یالیسم مرحله انتصابی سرمایه‌داریست، یعنی مرحله‌ایست که تمرکز تولید و سرمایه کار را به پیدایش انتصارات کشانده و رقابت آزاد در رشته‌های تولیدی جای خود را به انحصار داده است.

لیبرال کیست؟

منفرد کردن سیاست لیبرالی به چه معناست؟

شاید روزنامه «مردم» نخستین روزنامه‌ای بوده که پس از انقلاب دو مفهوم «لیبرالیسم» و «دموکراسی» را توضیح داد و گفت که همه مسئله، چنانکه در بنام ۱۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران مطرح شده، در آستانه که لیبرالها در انقلاب ایران منفرد گردند و از دموکراسی پشتیبانی شود. این واژه لیبرال بعدها در «کمیته لغات» گروه‌های سیاسی دیگر پذیرفته شد و مفهوم مشخص خود را در جامعه کنونی بعد از انقلاب پیدا کرد و اینک در مفاصل سیاسی بکار میرود.

لیبرال در شرایط کنونی آن سیاستمداری است که از انقلاب ایران تنها مسئله «آزادیه» (آتم آزادیهای بورژوازی) را عمده میکند و مایل نیست چیزی جز «مردم» در زمینه در ایران، نسبت به دوران موسوم به «طغوت»، عوض شود. همان سیاست اقتصادی، همان سیاست خارجی، منتها با این تفاوت که بجای خانواده پهلوی، اینک لیبرالها حاکمیت را در ایران در دست بگیرند و موافق نوق خود ایران را در چارچوب جهان سرمایه‌داری «آواره» کنند.

این سیاست لیبرالها تا زمانی نداشتند، آنها از همان اوایل انقلاب، طغیانان تنها متوجه سانسور و بسود آزادی بود و میگفتند که حتی شاه، بشرط آنکه تنها سلطنت کند و در امور حکومتی دخالت نوزده، میتواند بماند. فقط اختیار کامل دولت (و از آنجمله وزارت جنگ) را بماند. کمی دیرتر، تحت فشار جنبش خلق، با خروج شاه موافق بودند ولی با ابقاء سلطنت و زور و شاه مخالفتی نداشتند.

البته لیبرالها از زیاد رویبایی دولت شاه در سیاست خارجی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ناراضی بودند و در دهه این عرصه‌ها به نوعی «مجرای» های پلاستیکی، تمایل داشتند، ولی در واقع نکته مرکزی کار - پایه (پلاف) سیاسی آنها این بود که خودشان بپای

عمل پهلوی سر کار بیایند و با کمی نرزش به همکاری با غرب امیر یالیستی و سرمایه‌داری داخلی ادامه دهند. لیبرالها از همان زمان صدقاً با بخش فوقانی بازار و بخش فوقانی روحانیت محافظه کار رابطه داشتند. سازمان سیاسی آنها در سابق «جبهه ملی» بود که بعدها اجزاء آن سر نوشت‌های فراوان متعددی یافتند. ولی برخی از آنها با اصلاح در بقاء در مواضع سنتی خود جان سختی نشان دادند و تمام آرزویشان این بود که روزی وزارت خارجه آمریکا از استقلال مطلقه پهلوی‌ها دست بکشند و قدر رهبری آنها را درک کنند. جنبش توفانی انقلابی خلق و رهبری فاطمه و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، سلطنت مستبد پهلوی را به زیاده‌دان تاریخ افکند و بدینسان نقشه لیبرالها عقیم ماند و آرزوهای آنان در زمین زنده بر باد رفت. پس از انقلاب، که به دلایل همین، بطور عمده نمایندگانی بورژوازی لیبرال، دولت موقت را تشکیل دادند، لیبرالها تمام نیروی خود را بکار بردند تا انقلاب را در چارچوب خواسته‌های محدود بورژوازی خود نگاه دارند، و اگر باز هم جنبش انقلابی خلق و رهبری فاطمه و آشتی‌ناپذیر امام خمینی و نهادهای انقلابی سانسور کمیته‌ها، پاسداران، دادگاه‌های انقلابی و غیره نبود، ممکن بود که نقشه لیبرالها به نتیجه برسد.

با اینحال خطر لیبرالها ابتدا و اصلاً پایان نیافته است. آنها کماکان در حساس‌ترین مراکز دولتی و رهبری انقلاب مواضعی در دست دارند. از آن گذشته کاملاً امیدوارند که بتوانند در موضع دفاعی به موضع تفرسی انتقال یابند و تا حدی انتقال نیز یافته‌اند. ما با احادی دعوی خصوصی نداریم و برخلاف خود این آقایان لیبرال، که هر جا که دستشان رسیده، در لجن‌مال کردن حزب توده ایران، بلوغ گرفتن پروای اخلاقی و انسانی کوشیده‌اند، ما مواضع آنها را مواضع سیاسی می‌شماریم و با این مواضع از جهت سیاسی مخالفیم. اینکه در میان آقایان لیبرال کسانی هم باشند که با امیر یالیسم روابط خاصی داشته باشند (چنانکه در همه گروه‌ها وجود چنین عناصر پلیدی ممکن است) آن امری است جداگانه، که باید در دادگاهها بشیون رسد و تا چیزی به ثبوت نرسیده، نباید کسی را بدان متمم ساخت.

مخالفت ما با لیبرالها برای آنست که ما معتقد نیستیم که آنها یا آن‌طورز فکر بورژوازی خود بتوانند انقلاب ایران را به نفع لازم برسانند. روش آنها یکبار در انقلاب مشروطه اشکان شده. روش آنها در دنیای انقلابی امروز موصلاً ناچهره است.

اما این نتایج کدام است؟

۱- اولین نتیجه‌ای که انقلاب باید به آن برسد، استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی است، و لازمه این کار قطع همه مجاری و رشته‌های وابستگی به امیر یالیسم، بویژه امیر یالیسم آمریکاست. لیبرالها به چنین چیزی معتقد نیستند. در فضای شورائیک پس از انقلاب، آنها به سختی از مواضع نادرستی که هرگز ما را به استقلال نمیرساند، دفاع میکنند و از اقدامات قاطعی که رهبری امام بر آنها تحمیل میکرد، سخت ناراضی و برآشفته بودند.

۲- دومین نتیجه‌ای که انقلاب باید به آن برسد دموکراسی است. ما دموکراسی را از دو جزء (و نه تنها یک جزء) یعنی آزادیهای دموکراتیک و حقوق اقتصادی و رفاهی مردم مرکب میدانیم و بخش دوم را مفهوم اساسی بخش اول می‌شماریم. ما برای تأمین حقوق اقتصادی و رفاهی مردم، پایان دادن به بهره‌کشی سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ را از محمل‌های ضروری میدانیم. لیبرالها به این هم ایداً معتقد نیستند، نه برای آنکه خودشان حتماً از زیر سرمایه‌دارند، نه در میان آنها برخی‌ها ثروت خاصی هم ندارند، بلکه برای آنکه معتقد نیستند که بهره‌کشی

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

بمناسبت سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین (۲۲ فوریه - ۲۳ بهمن) از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی ارسال شده است که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی «مردم» می‌رسد:

دیروز کمیته مرکزی جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین رفیق گرامی لایف خوانده کمیته مرکزی حزب توده ایران یازدهمین سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین را، به همراهی همه اعضای جبهه و خلق فلسطین شادباش می‌گوید. بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و نقش ارزنده آن در سازمان آزادیبخش فلسطین نقطه عطفی در مبارزه دلاورانه مردم فلسطین علیه امیر یالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و در راه پیشبرد حقوق عادلانه خلق فلسطین بوده است. پیوند ناگسستنی که بین خلقهای فلسطین و ایران وجود دارد، از یکبار مشترک ما علیه امیر یالیسم و ارتجاع سرچشمه میگردد. مردم ما به مبارزه جان‌باخته خلق فلسطین همواره به دیده تحسین و اعجاب نگریسته‌اند و با شعار «مرگ بر سه مفسدین، کارتر و مسادات و یکین» نفرت عمیق خود را از یزیدان نامقدس امیر یالیسم، ارتجاع و صهیونیسم، برای سرکوب نیروهای ضدامیر یالیستی، خلقی و مترقی ابراز داشته اند.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه و اشغالگرانه صهیونیست‌های اسرائیلی، پشتیبانان امیر یالیستی آنها و در پیشانی، آنان امیر یالیسم جنایتکار آمریکا و دستیارانش در میان محافل ارتجاعی و سازشکار غرب، یار دیگر پشتیبانی کامل خود را از یکبار ضدامیر یالیستی و عادلانه مردم فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده راستین خلق فلسطین، اعلام میدارد.

حزب توده ایران، که همواره از پشتیبانی عمیق جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین بهره‌مند بوده است، بویژه از همبستگی مردم فلسطین با انقلاب ضدامیر یالیستی و خلقی ایران، بر رهبری امام خمینی، سپاسگزار است. اکنون که امیر یالیسم آمریکا و دستیارانش در صهیونیسم نظامی - سیاسی جدیدی را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند تدارک مینهند، خلقهای منطقه وظیفه دارند که مبارزه مشترک خود را علیه امیر یالیسم، بسرکردگی امیر یالیسم آمریکا، برای حفظ صلح مهابتگ و تشدید کنند.

دوایان، بیرونی‌های بیشتر شمارا در مبارزه با امیر یالیسم و صهیونیسم و در راه حقوق ملی و رفاه اجتماعی خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیرالین کیانوری

اتحاد شوروی پشتیبان انقلاب ایران است

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، بمناسبت انتخابات در اتحاد شوروی نطقی در یکی از جلسات انتخاباتی ایراد کرد که از نظر اهمیت، نکات برجسته آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد:

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، در سخنرانی خود در جلسه انتخاباتی خاطر نشان کرد که: «در سیاست واشنگتن گرایش شدیدی بسوی «جنگ سرد» مشاهده میشود. هدف ازین سیاست تغییر تناسب موجود نیروهای مسلح میان شرق و غرب است. این سیاست محکوم به شکست است. ما با بارها

در مجامع بین‌المللی اعلام کرده‌ایم که اجازه نخواهیم داد آمریکا چنین تفوقی حاصل کند. آمریکا تلاش داد مک نظامی مورد تقاضای جمهوری دمکراتیک افغانستان را از اتحاد شوروی خطر و تهدیدی برای منابع نفت منطقه خلیج فارس محکوم به شکست است. ما بارها

به حزب

(غزل)

چه باک دلبر مارا ز خصم دل سپیش
که از فروغ ظفر پرتویی است در نگمش

«نویده» داد که «مردم» ز راه می‌آیند
نویدبخش شگرف است و مردمی است رهش

تمام عمر فرو سوخت، تا به توده خلق
چراغ گشت فرا راه و این بود گمش

شرا کینه بیاشد که این ستاره صبح
عیان به مردم رزمنده ساخت ره زچش

عیب به لشکر شب بیم میدهید او را
که اوست زاده خورشید و اختران سپش

غریو سفله‌اش نیز اثر نخواهد داشت
اگر نراند ز سنگر تپیب پادشش

چو مار سرد بپر خار و خش نگیرد جای
عقاب چرخ برین است و قلله جایگش

چو کوه برس ایمان خویش پابرجاست
که سیل حادثه هرگز نمی‌برد ز رهش

احسان طبری

بهمن ماه ۱۳۵۸

نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشاند
با انتخاب آنها، به تحقق هدفهای ضدامیر یالیستی، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران کمک کنید

شورشیان ضد انقلابی افغانستان از جانب «سیا» سازمان داده میشوند

هر روز که از رویدادهای افغانستان می‌گذرد، استاد و مدارک بیشتری درباره ارتبط شورشیان افغانستان که زیر پرچم دفاع از اسلام، علیه رژیم ملی و دموکراتیک در این کشور به خرابکاری و عملیات تروریستی دست می‌زنند، با سازمان جاسوسی «سیا» و رژیمهای ارتجاعی و سرسپرده امپریالیسم آمریکا در منطقه افشاء میشود.

روزنامه واشنگتن پست رسماً فاش کرد که سازمان جاسوسی «سیا» سلاحهای مختلف، از جمله توپهای ضد تانک از طریق پاکستان در اختیار شورشیان افغانی قرار میدهد. مسئول اینگونه سلاحها از مدت‌ها قبل شروع شده است. این روزنامه می‌نویسد که سلاحهای تحویل شده به گروههای افغانی در پاکستان، اغلب ساخت کشورهای سوسیالیستی اروپاست، که بیشتر آنها در جریان جنگهای اعراب و اسرائیل بدست اسرائیل افتاده است. مقداری از سلاحها نیز در جریان جنگ تجاروی آمریکا علیه ویتنام بدست آمده است. چندی پیش در روزنامه‌های اروپائی هم گزارشی دربار رویدادهای افغانستان منتشر گردید که در آنها آمده است که اسرائیل سلاحهای به‌غیبت گرفته شده در جنگهای تجاروی علیه اعراب را در اختیار «سیا» قرار داده و اینک سازمان جاسوسی آمریکا این سلاحها را در اردوگاههای فراریان افغانی مستقر در پاکستان، به گروههای تروریستی افغانی میدهد و آنها را برای خرابکاری بخاک افغانستان اعزام میدارد.

کمال حسن‌علی وزیر دفاع مصر چندی پیش این مطلب را فاش کرد که شورشیان افغانی در اردوگاههای آموزشی مصر آموزش می‌بینند و سپس از طریق پاکستان به افغانستان اعزام میشوند.

طبق گزارش مجله آلمانی «اشپیگل»، ضیاء ناصری، یکی از رهبران شورشیان افغانستان، در کنفرانس سران دو کشور مصر و اسرائیل شرکت داشته است. نامبرده ملی مصاحبه با خبرنگار همین مجله در پاسخ به سؤال خبرنگار که شما چه انتظاری از مصر دارید، میگوید:

«ما انتظار داریم که مستشاران سادات و قهرمانان جنگ اکبر مصر را در کوههای افغانستان ببینیم. وجود این اگر تانکها و هواپیماها را که از مصر قرض گرفته‌ایم، فرستاده شوند، خود کمک بزرگی است به ما».

رئیس شورشیان افغانستان در این مصاحبه اعتراف میکند که:

«ما بیش از یکسال است که با حمایت و کمک

های همه‌جانبه پاکستان در جنگ هستیم» و می‌افزاید که «هم‌اکنون عربستان سعودی کمکهای مالی بسیار چشمگیری می‌کند».

روزنامه نیویورک تایمز طی گزارشی اطلاع می‌دهد که کمیته ویژه شورای امنیت آمریکا بریاست پرزینسکی، طرحی جهت ارسال اسلحه برای گروههای شورشی افغانی تهیه کرده است. این طرح مورد تأیید رئیس‌جمهور کارتر قرار گرفته و سازمان جاسوسی آمریکا ضمیمه مأموریت اجرای آنرا دارد.

این اسلحه و مدارک و اشیای دیواره رویدادهای افغانستان کوچکترین شک و تردیدی برای کسانی که میخواهند این رویدادها را واقع‌بینانه و عاری از هرگونه پیش‌داوری ارزیابی کنند، باقی نمیگذارد که جمهوری دمکراتیک افغانستان و انقلاب دمکراتیک و خلقی مردم این کشور، با یک توطئه و تجاوز از جانب نیروهای ضدانقلابی و ارتجاعی درون کشور، که از جانب دولت جاسوسی آمریکا، یکن و رژیمهای سرسپرده امپریالیسم آمریکا در منطقه از قبیل پاکستان، عربستان سعودی، عمان، مصر و اسرائیل حمایت میشوند و کمکهای مالی و تسلیحاتی و نظامی از آنها دریافت میکنند، روبرو شده است. در این مورد هم کوچکترین تردیدی وجود ندارد که نه شورشیان و تروریستهای افغانی، نه مخرجین و حامیان آنان- امپریالیسم آمریکا، چین، رژیمهای دست‌نشانده ضیاعالحق، سادات، سلطان قابوس و عربستان سعودی و اسرائیل- بخاطر دفاع از اسلام و مسلمانان نیست که برای تجاوز و تحریک و توطئه علیه انقلاب افغانستان و رژیم دمکراتیک و خلقی در این کشور متحد شده‌اند و اقدام میکنند.

ما در کشور خود طی یکسال که از پیروزی انقلاب شکوهمندان سپری میشود، توطئه‌ها و تحریکات، تهدید به محاصره اقتصادی و مداخله مسلحانه از جانب همین امپریالیسم آمریکا، سازمان جاسوسی آن و همکاریهای همین رژیمهای سرسپرده در منطقه را با اروپای خود امپریالیسم آمریکا بخوبی احساس میکنیم. مگر نه اینکه در کشور ما دیروز پیروزی انقلاب مردم، جمهوری اسلامی استقرار یافته است؟ پس چرا امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده‌اش با این جمهوری اسلامی مخالفت و با تمام قوا علیه آن و برای سرکوب آن توطئه می‌کنند؟ دلیلش روشن است: انقلاب در کشور ما علیه رژیم دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا و در راه قطع ریشه‌های وابستگی با امپریالیسم آمریکا

کارگری در آمل در اثر برق گرفتگی درگذشت

عباس تپویی یکی از کارگران برق آمل در اثر برق گرفتگی درگذشت. عباس تپویی هنگامیکه در بالای تیر برق مشغول انجام وظیفه بود، دچار برق گرفتگی شد و فوت کرد. اولین بار نیست که این چنین حادثه‌ای باعث از بین رفتن یکی از کارگران زحمتکش میشود. جاداد مشولین امور قبل از این تکه

اخبار دهقانی

شرکت تعاونی باید در خدمت روستائیان باشد

ساکنان روستاهای انوج، قنلاق، زحان آباد و گل‌دره (واقع در نزدیکی ملایر) که مجموعاً چهار نفر هستند، تنها از یک شرکت تعاونی استفاده میکنند، که محل آن در انوج قرار دارد. شرکت تعاونی در زمان شاه مخلوع با ضوابط طاغوتی خود هیچگونه استفاده برای رفاه روستائیان پاکک به تولید آنها نداشته است. دهقانان بحق انتظار داشتند که عمل و نقش این شرکت تعاونی بعد از انقلاب بکلی دگرگون شود و به نفع آنها خدمت کند. متأسفانه کوفی در این شرکت رذیلتی از انقلاب و دستاوردهای آن دیده نمی‌شود.

گروهی از روستائیان عضو این شرکت، طی نامه‌ای که به دفتر مردم‌داسال داشته‌اند، بپیرامون نابسامانیها و عدم همکاری این شرکت با خواستهای دهقانان و نیازات انقلاب می‌نویسند: «مدیریت شرکت هیچگونه همراهی با مردم حتی بعد از انقلاب نداشته است و ما چندین بار شکایت به مراجع مسئول کرده‌ایم و تاکنون کاری از پیش نبرده‌ایم. در آذرماه امسال، ۳۳۶۰ متر مربع برای هر نفر از ساکنان این روستاها از طرف سازمان تعاونی امور روستایی در اختیار این شرکت قرار گرفته است، که بهر حال تحویل ندادند. ما هم‌اکنون در انتظار داریم که عمل و نقش این شرکت تعاونی باقی‌مانده دهقانان حق داران این روستاها را برطرف سازد و برای رفاه روستائیان در دوران انقلاب بداند. روستائیان در نامه خود همچنین می‌نویسند که شکایات آنها هنوز بجای نرسیده است و حتی گاهی مسئولین شرکت تعاونی انوج هم‌چنین زنا با فاش و ناسزا بیرون می‌اندازند. روستائیان سپس در پایان نامه خود خواستار رسیدگی به شکایات خود شده‌اند».

نهاد تعاونی در محتوی اصیل خود یک نهاد انقلابی است که رژیم طاغوت میخواست آنرا بکلی مسخ و دهقانان را نسبت به آن بدین‌گونه، ولی انقلاب رسالت آنرا داد که به تعاونی محتوی اصیل و خلقی آنرا بازگرداند.

دست‌انصافان «دشت‌گور» کوتاه!

ضد انقلاب با ایجاد تاملی، ترس و وحشت در بین مردم می‌کوشد باز دیگر سایه شیطان خویشتن را بر جامعه انقلابی ما، بیافکند. نمونه آن، اقدامات اخیر افراد ضد انقلابی در ناحیه برازجان است، که به جان روستائیان قریه دشت‌گور نشانه رفته‌اند.

اخیراً فتوکی از دوسورتجلسه و یک نامه شکوایه بپیرامون حادثه‌ای که بوسیله گروهی از ضد انقلابیون طرح و اجراء شده بود، به دفتر روزنامه مردم رسید. همچنین نمونه اصل صورتجلسه و شکوایه اهالی دشت‌گور برای مقامات مسئول و ارگانهای اجرائی منجمله سپاه پاسداران برازجان، گروهان ژاندارمری برازجان و کمیته انقلاب اسلامی برازجان ارسال شده است.

ما قسمتی از این صورتجلسه‌ها و شکوایه روستائیان را به اطلاع خوانندگان میرسانیم و محیطی که مقامات مسئول پارسدگی به شکایات اهالی دشت‌گور، دست‌انصافان قاسد ضد انقلابی را از جان و مال مردم این منطقه کوتاه کنند.

بر اساس این صورتجلسه‌ها که از حادثه یورش افراد ضد انقلابی تنظیم و امضاء و امضاء ۱۱ نفر از اهالی دشت‌گور تأیید گردیده است، گروهی از افراد مسلح، که پاروسای حزب شاه ساخته دستاخیز دایله دارد به منزل مدین عامل شرکت تعاونی روستائی قریه یورش می‌برند، مهاجرت به اعمال خرابکارانه دست زده، خانه را گلوله باران میکنند. این عوامل سوجدو بارها کوشیده‌اند تا از ادامه فعالیت فرهنگ تاملی، که مواجده مردمی را به قیمت ارزان در اختیار اهالی قریه قرار میدهد، جلوگیری بعمل آورند. این افراد که میخواهند عمداً دهقانان را نادان کنند، ضمه‌انداری سوابقی از فعالیتهای آشوبگرانه هستند که نمونه‌ای از اعمال آنها در پرونده‌های کمیته‌های انقلاب اسلامی و شهبی، برازجان و گناوه ضبط گردیده است. این عناصر حتی علیه روستائیان، بویژه اگر برای حفظ وحدت مردم و تحریک و تاملی، بویژه در وقت دست به تحریک و حمله می‌زنند. در این اواخر کوشش عمده این افراد ضد انقلابی همچون نفاق افکنی بین مردم و ایجاد بلوا و آشفتگی است که متأسفانه گاهی موفق هم میشود کار را بزد خورد بکشاند.

اهالی دشت‌گور در شکوایه خود صراحتاً خواستار تاملی، مجازات عناصر ضد انقلابی و هدایت روستای دستاخیزی، حفظ و تثبیت نهادهای انقلابی را طلب میکنند. همچنین اهالی دشت‌گور از ظلم‌رستم و تعدی به جان و مال اهالی توسط اشرار منطقه به‌تنگ آمده‌اند و از مقامات مسئول میخواهند که با تفتیش شکایات آنان، آرامش را دوباره به منطقه بازگردانند، تا زحمتکشان بتوانند به کار و کشت خود ادامه دهند و وظیفه نه‌لید هر چه بیشتر محصول را بر سر انجام برسانند.

این خواستها همچنین در صورتجلسه دیگری با امضاء و امضاء ۱۹ نفر دیگر از اهالی قریه دشت‌گور تکرار و ضرورت رسیدگی به آنها تأکید شده است. سرکوب عوامل ضد انقلابی نه تنها بسود دهقانان زحمتکش هر منطقه‌ای است، بلکه در مجموع روند انقلابی کشور موثر خواهد بود، زیرا از یک سو به شوقی دهقانان و حمایت آنان به اندیاد

عقل امپریالیسم ...



چینه ضد امپریالیستی جهانی- جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی- امپریالیسم جنایتکار و تجاوزکار آمریکا را از دست زدن به تحریکات جنگ طلبانه باز میدارند.

شورش‌های مردمی است. امام مردم ایران و هدف اینگونه تبلیغات و افکار، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مورد ادعاهای کراتر که خود را دوست کشورهای اسلامی معرفی میکند، گفت: «ایسالات متحده آمریکا در اختلافات اعراب و اسرائیل، از اسرائیل که سرزمینهای کشورهای عربی را اشغال کرده، حمایت میکند».

بقیه از صفحه ۱ وانمود سازد، دوسورتیکه این منطقه دست با خطر و تهدید آمریکا روبروست. این اتحاد شوروی نیست که گویا برای دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس کوشش میکند. این امپریالیسم آمریکاست که حضور نظامی خود را در مناطقی هزاران کیلومتر بدور از مرزهای خود گسترش میدهد.

دیروز ما نیست که درواختکن سودا استفاده از چنین برگی را علیه اتحاد شوروی در سر می‌پروارند. چنین تلاشی علاوه بر اینکه برای مبتکرین آن خطرناک است، صلح و امنیت جهانی را نیز تهدید میکند. کشورهای صلحدوست جهان برای صلح و امنیت خود بایستد ازین بازی خطرناک نتیجه‌گیری‌های لازم را بنمایند».

سپس وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مورد بحران روابط آمریکا و ایران اظهار داشت: «آری سیاست واشنگتن در مورد ایران سراسواتی نکشیده است».

دولت آمریکا ده‌سال از رژیم پشیمانی کرد که تروتهای ملی مردم کشور در اختیار انحصارات فروش اسلحه قرار میداد و کوشش کرد ایران را به پایگاه نظامی تجاروی علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورها تبدیل کند. مردم ایران به‌خاستند، در انقلاب پیروز شدند و بندهای وابستگی به امپریالیسم آمریکازاگستند. سیاست آمریکاکلور این کشور شکست خورد.

اتحاد شوروی اعلام کرد که قصد هیچگونه مداخله‌ای در امور ایران را ندارد و در عین حال با هرگونه مداخله‌ای در این کشور، از جانب هر کس که باشد، مخالف است. کشور ما با پیگیری سیاست حسن همجواری و گسترش همکاریهای برابر حقوق و امتیازات سودمند با ایران را دنبال میکند. رویه‌ها را غای ایران کلرداخلی آن کشور است.

لیبرال کیست؟! بقیه از صفحه ۱ انسان از انسان وجود دارد و یا این کار، کار بدی است. لذا خط لیبرالها یا خط ضد امپریالیستی و خلقی امام کلا متناقض از آب درمی‌آید و این هم طس ماهی گذشته روشن است و در این امر مشخص، امام و دانشجویان مسلمان پیرو خط او نقش مهمی ایفا کرده‌اند و چشم مردم گشوده شده است.

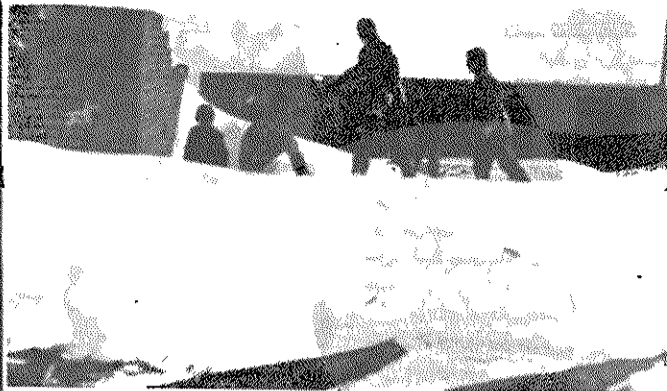
لیبرالها را باید منفرد کرده یعنی چه؟ ما ابتدا طرفدار آن نیستیم که بیسوده علیه لیبرالها پرونده‌سازی شود و یا به حیثیت و شخصیت آنها آسیبی وارد گردد. این آنها هستند که در حق ما چنین آرزو میکنند. ما چنین تمایلی نداریم. مبارزه ما بر پایه انسانگرایی جیتی است نه بر پایه انتقام‌جویی. منفرد کردن، یعنی آنکه مشی سیاسی آنها نتواند به مشی حاکم در روند انقلابی بدل شود. یعنی حاکمیت

دیداری از «قورت داغی» محله‌ای در ۲۳ کیلومتری تهران

مردم «قورت داغی» هیچ چیز ندارند، حتی قهوه‌خانه

بچه‌ها

اهالی «قورت داغی» برای يك استحمام ساده چند کیلومتر پیاده میروند.



برف تنها وسیله بازی بچه‌ها! مسلمان آنها بخاطر داشتن این «اسباب بازی» مدیون هیچ يك از بزرگترها نیستند

۱ کیلومتر پیاده میروند تا به مدرسه برسند...

پادهای پالنده شهریار توده‌های انبوه برف را تا بلندای دیوار خانه‌ها انباشته است. برفها از بالای دیوارها گردن کشیده‌اند و از اینسو چونان آیشاری صامت قندیل بسته‌اند. سرما تا مغز استخوانها نفوذ میکند. انگار از خود می‌گریزد و پناهگاهی گرم می‌بوید. باد همچنان زوزه می‌کشد و برسینه خانه‌های زهار در درفته تازیانه می‌زند. سینه‌ی تپه‌هایی که ز آنسو خانه‌ها قامت کشیده‌اند، زیر سم توفنده باد صاف و هموار شده است. در آسمان، شولای ابر، برشته‌های خورشید پس‌رهق سنگینی میکنند. هر چند یکبار خورشید از پشت ابرها سر برمی‌آورد و از چراگاه زمین برفها را وچین میکند.

جاده‌ای که از میان منطقه میگذرد و پشت تپه‌ها از چشم فرو می‌افتد، اکنون زیر دامن بلند برف پنهان مانده است. در میان مناطق گوله‌گون «قلعه حسن خان» «قورت داغی» برداشته‌های خوش طبیعت، ساکت و آرام درخود فرو خیزده است.

اقوییل باغش میباید جاده را میبیلد و پیش می‌رود. هنوز ۲۳ کیلومتری از تهران دور نشده‌ایم که سه راه «قلعه حسن خان» از دور رخ میکند. با اینحال راه درازی در پیش است. باید جاده لرنده‌ای را که مانند روبانی سید بلند در میان خانه‌ها افتاده است، در نورددیم و از سینه تپه‌های برف‌اندود بگذریم.

راننده که انگشت هایش از سرما خشک شده است، زیر لب زمزمه میکند: «شانس آورده‌ایم که سه راه برف و بوران از نفس افتاده است، وگرنه رفتن به قورت داغی (کوه گرگ) ممکن نبود. هروقت هوا برفی است در شهر میمانیم. چاره‌ای نیست. باید ساخت.» چندین محله را بزحمت پشت سر گذاشته‌ایم که جاده بیچی بر میدارد و در قلب قورت داغی، در میان همه‌های انبوه برف گم میشود.

بنایار از پشت خانه‌ها به بیراهه می‌زنیم و در جوار آخرین دیوارهای قورت داغی سر برمی‌آوریم. سرمای هوا توانسته است بچه‌ها را پای بند خانه کند. بیرون آمده‌اند و با گلوله‌های برف علامت‌رانشانه می‌روند. از سر ما مور مورشان میشود، اما همچنان بازیگوشند. دست کم امروز از غوغای کبرسی‌های سنگین که هر روز غرش کتان به معادن آنسوی قورت داغی در دل تپه‌های آسایشه می‌روند و با فریاد جانخراش بوقهای خود باز - میگردد، راحتند. آخر تنها جاده‌ای که کبرسی‌ها از قلب قورت داغی بمعادن شن و ماسه می‌برد و جان صدها کودک را تهدید میکند، زیر پشته‌های انبوه برف سدود مانده است.

رفته رفته بچه‌ها با گلوله‌هایی سرخو دستانی گیود در میان حلقه می‌زنند. بر ایمان چای داغ می‌آوردند. چند نفری از پیش کسوتان قورت داغی را که اطرافان

قتل در قورت داغی

رضوائی می‌افزاید: «همین دو هفته پیش بود که جوانی را در تپه‌های آنسوی قورت داغی قتل رساندند. پیدابوده که او را از جای دیگری آورده‌اند. وحشت سرهای بچه‌ها را گرفته بود. زنها از ترس می‌لرزیدند. از آن پس بندرت کسی جرأت میکند به تپه‌ها نزدیک شود. امنیت که نیست، انگار هیچ چیز نیست. مدتی است کار سرعت در قورت داغی بالا گرفته است. هفته‌ای نیست که سارقین به خانه‌های مستمرد نزنند. نه سربانی، نه ژاندارمری و نه یک کمیته کوچک انقلاب، هیچگونه کنترلی برای برقراری امنیت در اینجا صورت نمی‌گیرد. بچه‌ها

قنوس

از دور دست تاریخ می‌آید. چشدهش را از گاه انباشتند و در دروازه‌ها به تماشا گذاشتند. از یونان تا رم از معادن تا میدان‌های سیرک زخمها پریبکر دارد از تغه تیور در قرون سیاه کف پرلب دارد. می‌آید و زنجیر دستانش زاده و توش راه اوست.

به يك نطقه امانش ندادند آسمان بر او بارید سیل مرگش را یکام کشید طوفان بر او راه گرفت و دشمن با تبار باستانی خود هر زمان برنگی چهره آراست.

شوالیه زحمت
مبشر طوفان
دیر زمانی هم
در دیار «گل‌ها» راند
آتش در ظلمت «خورشید شاه» افکند
واژ لیون تا پاریس
در صور اسرافیل دمید.
بر قلعه نبرد
سرود سرخش را پای گوید
نماند
تاخت آورد
از پل و گراد تا پراگ
وزها و یونان تا هاوانا
بدر آفتاب افشاند
از گردباد خاکسترش
هر جا
کبریای عشق
به عرش رسید!
جهان بخش
فروردین ۵۷
لویی چهارم خود را چنین لقب داده بود



اینجا «قورت داغی» است. محروم از آب، برق، تلفن، سرریس اتوبوسرانی، حمام، جاده آسفالته، مدرسه، درمانگاه، شهرداری، داروخانه و...

شیون میکرد. کسی نبود او را از چنگال توفان نجات دهد. گریه‌ام گرفته بود. می‌بینید از بدبختی است که ما اینجا هستیم. سرمان را درد نیاریم. ما برای کشیدن کابل برق ۵۳ هزار تومان جمع کردیم و به حساب بانک ملی شعبه فعلی شاه عوضی رفتیم. با اینحال از کابل کشی خودداری کردند. رئیس اداره برق منطقه غرب گفت: هر کار می‌خواهد بکنید. ما به شما برق نمی‌دهیم. اصلاً من از مردم قورت داغی خوش نمی‌آید!

آند که فکر کنید. اقدامات ما برای دریافت سند هرگز بجای نرسیده است. ما برای يك استحمام ساده باید کیلومترها راه طی کنیم و به کاروانسرا سنگ، سرخه حصار و یا قلعه حسن خان برویم. هاشم خالو یکی دیگر از اهالی قورت داغی میگوید: «مدتها قبل مشکلات خود را با فرمانداری کرج در میان گذاشتیم، ولی راه بجای نبردیم. ناچار بسوی قلعه حسن خان به راهیمایی پرداختیم. در شورای منطقه بما قول مساعد دادند، ولی هرگز به آن عمل نکردند. از هر خانه ۳۵۰۰ تومان پول آب می‌خواهند و این در شرایطی است که حتی منطقه لوله کشی هم نشده است.»

دستگاه نداشتند، بزرگترها دبیرستان و سایرین سرریس اتوبوسرانی، چیزی که در اینجا زیاد پیدا میشود، گرگ، مار، عقرب و رطیل است.

دستگاه نداشتند، بزرگترها دبیرستان و سایرین سرریس اتوبوسرانی، چیزی که در اینجا زیاد پیدا میشود، گرگ، مار، عقرب و رطیل است.

«هر روز باید ۸ کیلومتر پیاده روی کنیم... در هر کلاس مدرسه ما ۷۰ معصل بزرگ جا داده شده‌اند... تازه اگر معلمها به بهانه‌های مختلف غیبت نکنند. وقتی به مدرسه میرسیم، تمام لباسهایمان گلی شده است. گاهی تا سینه در تالاب‌ها فرو می‌رویم. تازه وقتی به مدرسه میرسیم، به بهانه ریزش برف و باران مدرسه تعطیل شده است. چه‌جا همه از این وضع خسته شده‌اند.»

«دیروز برف و کولاک غوغا می‌کرد. توفان برفسارها به دیوارها می‌کوبید. برادرزاده خرم‌سال آن طرف در میان کولاک‌ها گیر کرده بود. برف صورتش را پوشانده بود. لبهایش سیاه شده بود.»

فره‌هایی که میبایست زیر هر داغ آفتاب و زمهریر سرد زمستان از میان خاک و خاشاک فاصله ۸ کیلومتری قورت داغی - قلعه حسن خان را برای حضور در کلاس درس طی کنند. آخر در قورت داغی از دبیرستان و دبیرستان اثری نیست. صبحها اگر از زوایای چشم‌انداز قورت داغی را بنگرید، کودکان و نوجوانان را می‌بینید که با تلاش چشمگیر سینه تپه‌ها را درمی‌نوردند و از میان تالاب‌های بویناک به مدرسه می‌روند. زمین برفرازو نشیب قلعه حسن خان و قورت داغی با صدای پای یکایکشان آشنا شده است. قلمی، مرد میانسالی از قورت داغی، سکوت چندلظه‌ای را از میان بر میدارد:

روزهای یکشنبه:
مردم بزبان کردی
هموطنان کرد مقیم تهران میتوانند روزنامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

نام نویسی در حزب توده ایران
کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می‌توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۷ تا ۱۹ صبح و از ۱۷ تا ۱۹ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده همراه داشته باشند.

توجه!
رفقا و هواداران حزب که امکاناتی برای فعالیت انتخاباتی بسود نامزدهای حزب در تهران و شهرستانها دارند، لطفاً هم‌روزه از ساعت ۹ تا ۱۸ در دبیرخانه حزب به ساد انتخاباتی مراجعه کنند.

نمایشگاه سالروز انقلاب تا ۸ اسفند تمدید شد
اسناد، عکس، پوستر، طرح و نقاشی... همراه با نمایش اسلاید، فیلم و...

۲۱ بهمن الی ۸ اسفند
همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۶ بعد از ظهر محل برزادری، نمایشگاه بزرگ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

لست بساها که هاد امنیتش کنید!

برنامه نامزددهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورایی برای ایجاد نظام شورایی

باید در دستگاه دولتی موروث رژیم سرنگون شده پهلوی تحول بنیادی ایجاد شود و شیوه کشورداری موروث آن رژیم از ریشه و اساس ملغی گردد. هدف از این کار سپردن حاکمیت کشور بدست مردم است. برای رسیدن به این هدف باید در کشور نظام شورایی ایجاد شود.

برای درک نیازمندیهای ایران در زمینه تحول در دستگاه دولتی، اول باید دید که دستگاه حکومتی رژیم پهلوی و شیوه کشورداری ناشی از آن، چگونه بود و چه خصیصاتی داشت.

۱ خصلت دستگاه دولتی و شیوه کشورداری رژیم سرنگون شده پهلوی

خصلت عمده دستگاه دولتی و شیوه کشورداری رژیم پهلوی ضد مردمی و ضد خلقی بودن آنها بود. منشاء این خصلت عبارت از این بود که:

۲ ایران انقلاب، به چگونه دستگاه دولتی و شیوه کشورداری نیازمند است؟

پاسخ این سوال آنست که اکنون باید در کشور ما دستگاه دولتی و شیوه کشورداری جدیدی، درست همگونی آنچه که در دوران رژیم پهلوی بود، و خطوط عمده خصائص آنرا در ببالا شرح دادیم، ایجاد گردد. یعنی بسایند دستگاه دولتی مردمی و خلقی، بوجود آید و شیوه کشورداری نیز مطابق با آن از بنیان عوض شود. دستگاه دولتی مردمی و خلقی برای ایران انقلابی است، باید دارای خصلت زیرین باشد.

باید صرف نظر از تفاوت های سیاسی و مذهبی و مسلکی و اندوژولوزیک و جنس و ملی و غیره، متکی بر طبقات و اقشار مردمی و خلقی، یعنی کارگران، دهقانان، اصناف و کسبه، روشنفکران و روحانیون مترقی، سرمایه داران میهن پرست و خفته های آنهاست و دروغ بود.

ت) بگ چینی دستگاه دولتی شیوه های کشورداری خود را داشت، از قبیل: - تقض وحدت حقوق و مسئولیت بصورت تمرکز همه حقوقیهای عمده در دست شاه و گماشتگان لشکری و کشوری وی (یعنی نمایندگان اقشار ضد مردمی و ضد خلقی و وابستگان به امپریالیسم در طرفی و تحمیل همه مشوولیت های شاقه بر گردن طبقات و اقشار زحمتکش مردمی و خلقی (یعنی تولید کنندگان نمادین و معنوی)، در طرف دیگر.

- بکار بردن نیروی جبر مطلق، یعنی ارتش و ساواک و ژاندارمری و شهر بانی و استفاده از سزیه و ترسور و اعمال سرکوب به مثابه عنصرین ابزار حاکمیت و مطمئن ترین شیوه کشورداری و وسیله ارتباط میان حکومت و خلق. - تحمیل شاه در رأس دستگاه حاکمه، به مثابه «همه کار» و همه چیز دان، و حاکم غیر محدود و غیر مشروط و غیر مشمول و ادامه همین سیستم (با کمی فرقی) از بالا تا پایین، بصورت انحصار و تحمیل و زور و امر و استناد و فرمانداری و دیگر زمامداران.

اینان که مهره های اصلی دستگاه حکومت شاهنشاهی بودند، توده های خلق را یک درمه کور و کوروال و بی شعور و بی اختیار و شمرندگه به سطح آدمی نرسیده اند و هرگز نتوانند رسید و وظیفه های جزا طاعت کردن نداشته اند و ندارند و نتوانند داشت. تفرعن، نخوت و تکبر از سوسی و احساس تحقیر و کین و نفرت نسبت به مردم و مخصوصا به طبقات زحمتکش از سوی دیگر، از خواص خبیثه

سرتاسر زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و مسلکی کشور بر مبنای شوراها.

برای ایجاد شوراها و نظام شورایی باید حداقل سه شرط زیرین تامین گردد. الف) شوراها باید نه از طریق انتصاب از بالا و مداخله از بالا (یعنی تحمیل از جانب دولت و دیگر منابع قدرت) بلکه باید بر اساس انتخاب آزاد و آگاهانه از جانب مردم، از پایین به بالا، بوجود آیند.

ب) عمده ترین شرط آزاد بودن و آگاهانه بودن انتخابات شوراها، آزادی احزاب، سازمانها، جمعیتها، مطبوعات و افکار هر نوع انحصار طلبی است.

پ) در انتخابات شوراها باید کلیه اقشار کشور که بصورت قانونی رسیده اند، صرف نظر از وابستگی های طبقاتی، تفاوت های سیاسی و مسلکی و مذهبی وایدئولوژیک و ملی، اعم از مردوزن، شهری و روستایی، عالم و عامی، و لشکری (بجز سربازان امریالیسم و بقایای رژیم سرنگون شده پهلوی که از حقوق اجتماعی محروم شده اند) به طور مساوی شرکت کنند، هم انتخاب کنند و هم انتخاب شوند.

سیستم شوراها، که حاکمیت مردم را در خود مجسم می سازد، مزب از حلقه های عمده زیرین است:

شورای ده، شورای بخش، شورای شهر، شورای استان، مجلس شورای ملی (شورای سراسری کشور) شورای سرزمین های ملی، شورای تولید و خدماتی، شورای ادارای، شورای واحد آموزش و پرورش، شورای واحد آموزش عالی، شورای ارتشی و غیره.

تمام شوراها از طریق رای مستقیم، عمومی و مخفی توسط مردم و کارکنان بخش میین انتخاب می شوند.

۳ شوراها و سرزمین ملی

سرزمین ملی به آن سرزمینی گفته میشود که در آن یکی از ملیت های ایران، یعنی آذربایجانی ها، کردها، بلوچها، ترکمن ها و عربها زندگی میکنند، شوراها این سرزمینها باید با نظر گرفتن حقوق ملی این ملیتها و رها می آنها از بیوغ ستیمی وواگذاری خود مختاری ادارای و فرهنگی به آنها، در چار چوب وحدت و تمامیت ارضی ایران تشکیل شود.

سرزمین ملی ممکن است شامل یک شهرستان، چند شهرستان، یک استان و یا چند استان باشد. در صورتیکه سرزمین ملی شامل قسط یک شهرستان باشد، باید آنرا از استان متبوعه کنونی جدا کرد و بصورت یک سرزمین ملی در آورد. در صورتیکه سرزمین ملی شامل دو یا چند شهرستان همجوار باشد، باید از مجموع آنها یک سرزمین ملی بوجود آورد. در صورتیکه شامل یکی از استانهای موجود باشد، این استان به مثابه سرزمین ملی بحال خود باقی میماند. در صورتیکه سرزمین ملی شامل بیش از یک استان همجوار باشد و یا یک استان و چند شهرستان و بخش همجوار را در بر بگیرد، باید همه این استانها و یسا شهرستانها و بخشهای همجاری و همجوار را در هم ادغام نمود و از مجموع آنها یک سرزمین ملی ایجاد کرد.

شوراهای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان در سرزمینهای ملی مانند همین شوراها در سایر مناطق کشور انتخاب می شوند. پس از تعیین سرزمین ملی، اگر این سرزمین در حدود یک شهرستان باشد، در این صورت شورای شهرستان، ارگان خود مختاری ادارای و فرهنگی این سرزمین خواهد بود. اگر در حدود یک

استان باشد، در این صورت شورای استان، ارگان خود مختاری ادارای و فرهنگی این سرزمین خواهد بود. اگر بیش از یک استان باشد، باید در داخل آن سرزمین تقسیمات کشوری (استانی بندی) بعمل آید. در اینحال، شورای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان در هر يك از استانهای این سرزمین، عینا مانند همین شوراها در سایر استانهای کشوری انتخاب خواهند شد.

شورای سرزمین ملی ارگان خود مختاری ادارای و فرهنگی در این سرزمین ملی خواهد بود. تمام خلقهای ایران، صرف نظر از وسعت و جمعیت سرزمینهای ملی آنها، از نظر حقوق خود مختاری ادارای و فرهنگی، برابرند.

شورای تولیدی و خدماتی در هر يك از واحدهای تولیدی و یا خدماتی از طریق آراء مستقیم و عمومی و مخفی کارکنان، کارمندان و کارکنان همان واحد انتخاب می شود.

شورای ادارای در هر واحد اداری از طریق آراء مستقیم و عمومی و مخفی کارکنان، کارمندان و کارکنان همان واحد انتخاب می شود.

شورای واحد آموزش و پرورش - در هر واحد آموزشی و پرورشی دبستانی، از طریق آراء مستقیم و عمومی و مخفی دانش آموزان و کارکنان و اولیاء آن آموزش و پرورش، بالاتر از دبستان از طریق آراء مستقیم و عمومی و مخفی دبیران، مدیران، کارکنان و دانش آموزان انتخاب می شود.

شورای واحد آموزش عالی - در هر واحد آموزشی عالی (دانشگاه، دانشکده، آموزشگاه عالی و غیره) از طریق آراء مستقیم و عمومی و مخفی هیئت دئیه، استادان، دانشجویان و کارکنان انتخاب میشود.

شورای ارتش - شورای ارتشی از نمایندگان سربازان، ملوانان، درجه داران و افسران تشکیل می شود. بدین ترتیب شورای ارتشی از کوچکترین یگان تا گردان از طریق انتخابات مستقیم و عمومی و مخفی تشکیل می گردد. از گردان (ویگان مشابه گردان) به بالا، در هر واحد شورا تشکیل خواهد بود از فرستادگان منتخب شوراها و گردانها به بالا.

همین شوراها بناهان ترتیب در نیروهای انتظامی (شهربانی و ژاندارمری) نیز تشکیل میشود.

۴ حقوق و وظایف شوراها

هر شورایی برای مدت معینی انتخاب میشود که قانون تعیین میکند. در این مدت شورا عالیترین ارگان حاکمیت در دایره عمل خویش است و در چارچوب قوانین کشوری و محلی فعالیت می کند. هر شورایی در نخستین جلسه عمومی خود باورای مستقیم و عمومی خود باورای مستقیم و عمومی و مخفی اعضایش یک هیئت اجرایی انتخاب می کند. این هیئت در مقابل شورا مسئول است و به آن گزارش میدهد.

همچنین در نخستین جلسه عمومی خود، از طریق رای عمومی و مستقیم و مخفی، شورای ددهدار را انتخاب می کند که در عین حال رئیس هیئت اجرایی شورا است.

شورای بخش به خستار را انتخاب میکند که در عین حال رئیس هیئت اجرایی شورا است.

شورای شهرستان فرماندار را انتخاب میکند که در عین حال رئیس هیئت اجرایی شورا است.

شورای استان استاندار را انتخاب میکند که در عین حال رئیس هیئت اجرایی شورا است.

شورای شهر شهردار را انتخاب می کند که در عین حال رئیس هیئت اجرایی شورا است.

مجلس شورای ملی هیئت دولت را انتخاب می کند که در رأس قسوا اجرائیه در سراسر کشور قرار دارد. شورای سرزمین ملی رئیس سرزمین ملی را انتخاب می کند (که باید اسم رسمی آنرا معین کرد) که در عین حال رئیس هیئت اجرایی شورای سرزمین ملی است. انتخاب شدگان در برابر شورای خود مسئولند و بآن گزارش می دهند.

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

شمه ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران

(سوسیال دموکراسی انقلابی، حزب توده ایران)

عبدالصمد کامبخش

جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی (چاپ دوم)

(متن اصلاح و تکمیل شده) احسان طبری

حزب توده ایران از خط امام پشتیبانی می کند (چاپ دوم)

مارکس - انگلس

لنین درباره انقلاب اجتماعی ترجمه محمد پور همزبان

از انتشارات حزب توده ایران

بزودی منتشر میشود

زندگی دوباره زمین بکر از آثار رفیق لنین برزنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

کتاب زمین کوچک که به تازگی انتشار یافته است، نخستین اثر از این آمار سه گانه رفیق لنین برزنف است.

خوانندگان گرامسی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با مردم مکاتبه کنند

فرانس، Rigal Albert BP 75160 75001 Paris France Box 27y30 30251 Stockholm سوئد،

ایتالیا، Pci, Shams Via G. Vincon, 46 Ostia (Roma) Tel. 6614922 (TUDH)

بلژیک، 51, Av. de Broqueville 1200 Bruxelles

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند



آنچه در درجه اول قربانی سبیل شد، زندگی زحمتکشان است. همان آلونک‌ها و کپرهای میراث رژیم شاه مخلوع

سبیل زورش بیشتر از همه به کپرهای زحمتکشان خوزستان رسید

سبیل خوزستان زندگی کپر نشین‌های خوزستان را نابود کرد.

مردم زحمتکش در محلات سبیل زده و فقیر به چادر، پوشاک، غذا، موتورپمپ، بخاری و ... احتیاج داشتند، اما خبری نبود. کمک خیلی دیر رسید.

کاری کنیم که در سبیل پندی آلونک‌های گلین و خانه‌های محقر بوسه زحمتکشان آوار شود

پل‌ها از زمین رفته بودند. حاصل کار کشاورزان، حکتارها زمین شنبه زده و کشته شده زیر آب بود و بد قول استناد خوزستان، در ناحیه‌هایی مثل اهلبویه، رامشیر، خلف آباد و دهات اطراف آن وضع پتوله‌ای بود که از بالا چیزی جز آب دیده نمی‌شد. رها زبنا بر گفته استناد خوزستان، «وضع شعوری بود که امکان رساندن کمک به مردم جز از طریق هوا ممکن نبود.» اما امداد هوایی ضعیف بود و به بسیاری نقاط، هنگامی که دیگر کمک لازم نبود، کمک رسانده شد. مردم به دعا و وسیله ضروری از جمله چادر، پوشاک، غذا، موتور پمپ، بخاری و ... نیاز داشتند و بسیاری از این کالاها در دسترس نبود. یکی از اهالی اموازی می‌گفت:



دوشنبه ۲۲ بهمن، با دوشنبه‌های سال‌های گذشته هیچ تفاوتی برای مردم خوزستان نداشت. باز هم آسمان ابری بود و باران آمد و آنکاه سبیل. باز هم سقف خانه‌های زحمتکشان کف یک کوجه ها روان بود و دیوارهای حصیری، دیگر دیوار نبودند، آوار بودند. سبیل، مثل همیشه، بیشتر از همه به مستضعفان لطمه زد. آنچه قربانی سبیل شد، زندگی محقر زحمتکشان شهرها و روستاهای خوزستان بود. رگبار شدیدی که چندین ساعت خوزستان را زیر شربله گرفت، پس از آمدن کوتاهی سبیل را در خوزستان جاری ساخت. در تقاطع که آب را به جانی راه نبود، رودخانه‌هایی بوجود آورد که پست‌شان اتاق‌های حصیری زحمتکشان میهن ما بود. کپر نشین‌های خرمشهر قبل از همه میهمان ناخوانده داشتند. آبی خانه خراب‌کن به میهمانی آن‌ها آمده بود. آن‌ها از کپرهای بیرون ریختند و مطلب کمک، شهر را پوشاند. پیر- زنی نالان می‌گفت:

نیروی اصلی کمک، مردم و جوانها بودند. آنها در حالیکه شمار می‌دادند: اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم، به مردم با تمام نیرو کمک می‌کردند.

پرسیده و بلاذنه بود. دیگر چاهی نمانده بود، هر چه بود، با تالاق بود و چاه و نهر و گودال، و آنچه نبود خانه بود و دیوار و سقف. سرانجام مامورین جهاد سازندگی سازمان آب رسیدند. موتور پمپ‌های پارسال به کار افتادند و یکی گفت: «این چه سطل و کوزه‌هاست که دولت پر زخم ماهی گدارد. تا سبیل راه می‌افتد همه‌ها می‌آورند، آب تقسیم می‌شود و بعد باز بارندگی می‌آید، حق بودم سطلین مملکت در طول یک سالی که از انقلاب می‌گذرد، در این مورد چاره‌اندیشی جدی می‌کردند.» جوان‌ها کاری کردند و فریاد می‌دادند: کاری کردند و فریاد می‌زدند،

و جوانی می‌گفت: «امروز سالگرد انقلاب است. ولی شما چطور انقلاب را جشن بگیرید؟ هر سال همین مصیبت را داریم.» کبک عازم فرمانداری شدند، اما تا آن‌ها پرسند، مردم خود دست‌یاری به یکدیگر دادند و با سطل و دیگ و بیسل دست به کار شدند. مردم از نقاط مختلف طرف این محله سرازیر شدند. آن‌ها سطل سطل آب جمع می‌کردند. اما کجا می‌ریختند؟ آب اتاق را به حیاط، آب حیاط را به کوجه و آب کوجه بازمی‌ماند خانه دیگری بود. خانه‌ها نسبت به کوجه‌ها گودترند و همین امر از پیشرفت کار جلوگیری می‌کرد. هنوز مسئولین نرسیده بودند. اما آب همه‌جا حاضر بود. مردم حفر می‌کردند تا لایق قسمتی از آب به وسط خیابان سرازیر شود. اما خیابان هم وضع بهتری نداشت. باران می‌آمد و می‌آمد و آنچه آن‌ها ساختگو نبود، پیل‌ها و دیگ‌ها بود. چاه‌های مستراح سقنی فروریخت و هر لحظه دستی

اصالت مردم

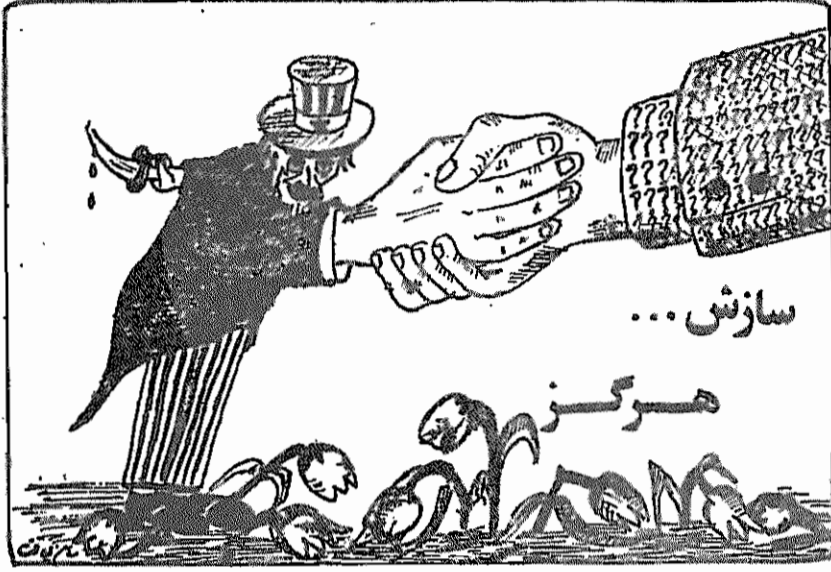
این روزها سخنانی بر سر زبانه‌هاست که نشاندهنده طرز تفکری چندپندی از انقلاب است. شاید هم این طرز تفکری جدید نباشد ولی جدیداً عمده‌ای در صدور نشر و تسمیه دادن آنند.

بر اساس این پیش‌پسندی، پیروزی انقلاب ناشی از مذاکرات با جاسوسان آمریکایی و مقامات سفارتخانه‌ها و فرماندهان و امرای دست نشانده شاه‌خائن بوده است. در این میان چنین استدلال می‌شود که اگر چنین مذاکراتی در جریان نبود، تمداد بیشتری شهید می‌شدند و در نتیجه این مذاکرات در گمش میزان کشتارها تأثیر بسزایی داشته است. پاسخی که

در مطبوعات کشور

در این رابطه می‌توان ادعا کرد اینست که حتی به ادعای همین افراد، این مذاکرات (البته شاید نه با نوعی که قبل از پیروزی انقلاب بوده است) پس از سال ۳۲ آغاز شده است و با این حساب ۲۵ سال ادامه داشته است. علت چیست که در این ۲۵ سال مذاکرات به پیروزی نرسیده؟ پاسخ روشن است. وقتی چنین تصوری بوجود می‌آید که دشمن با مذاکره حاضر به عقب

نشینی است و بالاتر از آن، با مذاکره رودر رو می‌توان دشمن را شکست داد، دستگیرمبارزات مردم در این میان چه محلی از اعراب دارد! در حقیقت پیروزی انقلاب ناشی از پیش‌پسندی خاص امام بود که «اصالت مردم» را در مبارزه با دشمن بر سمیت می‌شناخت. بر اساس این پیش‌پسندی، پیروزی بر دشمن آن زمان است که مردم هیچ شوق و فایز از هر نوع اصلاح‌گری، هر دشمن یوری بر نند. دقیقاً همین دلیل است که امام هر گونه مذاکره‌ای را رد می‌کنند. زور دشمن در مذاکرات يك امتیاز میدهد تا يك امتیاز بگیرد. (جمهوری اسلامی، ۲۷ بهمن)



سازش ... هرگز

آیت‌الله منتظری: ملت کار دانشجویان را تأیید می‌کند

را مرکز این جنایات تشخیص داده و قهر دانشجویان خط امام همان خواست ملت را اجرا کرده‌اند و این است که مدارکی هست که این اشخاص در این جنایات سبیم بوده‌اند و جاسوس بوده‌اند و کارشکنی داشته‌اند نسبت به ایران ولی عبدالله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی فرمودند که آن کسی که جانی است (شاه) او را تحویل بدهند. تا بحال این همه حمایت کرد و این همه حمایت که از آمریکا دید، دیگر حالا از این همه حمایت نکند. تحویل بدهند. و ما تجدید نظر میکنیم و گروگانها را آزاد میکنیم ولی متأسفانه دولت آمریکا لایع کرد و احساسات برادران و خواهران ایرانی مسلمان را نادیده گرفته‌اند و شاه را بالاخره هر چیزی بود از آمریکا بیرون ببرد و ما الان منتقدیم پاناما هم در اختیار امریکاست شاه در پاناما هم هست با آمریکا فرقی نمی‌کند. (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن)

این عمل دانشجویان مسلمان بر خط امام که انجام داده اند و یکدیگر امریکایی را در سفارت گروگان گرفته‌اند، این عمل را عمل بوجهی تشخیص می‌دهند. در حقیقت خواسته ملت ایران، ملتی که حدود صد هزار شهید، حدود صد هزار معلول و خسرو باشت است این همه خسارت‌های مادی، منزلی‌های مردم را آتش زدند، اموال عمومی را آتش زدند، ملتی که این همه خسارت دیده اشغال این سرزمینی که اسمش ستاره‌خانه است امثال ریچارد هلنز و سولویان اینچارا پایگاه قرار داده بودند، برای توتیت رژیم طاغوتی، حاکم ایران و وسیله جاسوسی برای سایر کشورهای جهان سوم پایگاه جاسوسی برای جهان سوم) قطعا این ملت کار دانشجویان را تأیید می‌کند البته ما دلان می‌خواست کار به اینجا نکشد ولی متأسفانه با آن عملی که سفارت امریکا در ایران انجام می‌داد ملت این سفارت

زمان گرفتن حقوق از دست رفته همه رنج برده‌ها و زجر کشیده‌هاست

اکنون که برای نخستین بار تاریخ تازمان ایران به عنوان جمهوری اسلامی بر سر قرار گرفته است زمان گرفتن حقوق از دست رفته همه رنج برده‌ها و زجر کشیده‌هاست.

تاریخ تازمان ایران به عنوان جمهوری اسلامی بر سر قرار گرفته است زمان گرفتن حقوق از دست رفته همه رنج برده‌ها و زجر کشیده‌هاست.

سازمان پیشتازان انقلاب اسلامی عمان: * ملت مسلمان، سلطان قابوس ورژیمش را انتخاب نکرده بلکه انگلستان او را منصوب کرد. * سلطان قابوس انقلابیون را زیر پوشش کمونیست و کافر قتل‌عام میکند. * در نیمه سال ۱۹۷۹ هجری کیسینجر وزیر سابق امور خارجه آمریکا، دیدار بسیار سری از ظفار بعمل آورد. * قوه مجریه و مقننه در کشور عمان در اختیار انگلیسی‌هاست. * هنوز فرمانده گل شهربانی و امور گمرکی، شخصی انگلیسی‌الاصل است و نامش حتی سلفا می‌باشد. (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن)

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

